

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نعیم سلیمی - امریکا
۰۲ جنوری ۲۰۱۹



معیار سنجش اخلاقی "ارزش" در جهان سرمایه داری

در یکی از روز هائی از فصل بهار که آب و هوای شهر ما در ایالت نیوجرسی ایالات متحده امریکا بسیار زیبا و گوارا شده بود و آفتاب بهاری با درخشش گرم و پر حلاوتش انسان را وامی داشت تا برای گرفتن هوای تازه بیرون برود ، منم با دنیائی از خیالات و اندوه وطن که بر سرم سنگینی می نمود و دلم را دقت بینظیری فرا گرفته بود روانه پارک بزرگ تفریحی زیبایی که در عقب خانه ما موقعیت دارد شده و به گشت و گذار پرداختم ؛ در جریان قدم زدن متوجه شدم که یک آقای امریکائی سه تا از سگهائی را که به گمان اغلب از خودش نبود با نگهداشتن قلاده های آنها در دستش با خود به گشت زنی بیرون نموده و با خود اینطرف و آنطرف می گشتاند.



برایش سلام کرده و درب گفت و شنود را باز نمودم ؛ از میان این سگ ها که بینهایت از ریخت و قالب زیبایی برخوردار بودند یکی آنها شباهت بسیار زیاد به سگهای شکاری تازی مانند آنچه که ما در افغانستان داریم داشت ؛ در باره نسل و نصب آن کنجکاو شدم ؛ این آقا به من گفت که این سگ را از مصر آورده اند و به گفته خودش او را " نجات دادند" ؛ یعنی این که از ولگردی رهایش ساختند و بالاخره سرحدش به اینجا

رسیده است . با شنیدن این داستان بسیار خرسند شدم و گفتم که چه اقدام نیکی که انسان در یک جامعه مدنی پیشرفته حیوانات را از تلف شدن نجات می دهد و به آن ارزش بزرگی را از لحاظ عاطفی و اخلاقی قایل می شود ؛ از معلومات این شخص و فرصتی را که برایم تخصیص داده بود تا با وی اندکی صحبت کنم ابراز امتنان نمودم و به گشت خود ادامه دادم * ..

وقتی که قدم می‌زدم و تا هنوز خیالات اذیت‌کننده حادثه انتحاری در مهتاب قلعه دشت برچی در غرب کابل در جریان ثبت و راجستر انتخابات لعنتی که جان ده‌ها تان از هموطنان ما را به قربانی گرفت از ذهنم پاک نشده بود که ناگهان مرا به یاد گذشته‌های تاریکی از صفحات جنگ و تجاوز امپریالیزم امریکا در دهه ۹۰ انداخت که در ماه می سال ۱۹۹۶ برنامه "۶۰ دقیقه" یکی از شبکه‌های تلویزیونی امریکا که به گمان اغلب سی‌بی‌اس بوده باشد مصاحبه‌ای را با خانم "مادلین آلبرایت" که در آن زمان سفیر و یا نماینده فوق‌العاده رئیس‌جمهور کلنتن در ملل متحد بود و بعداً به سمت وزیر خارجه وی ارتقاء یافت، انجام داد که در آن خبرنگاری به نام "لاسلی ستال" به البرایت گفت:



"ما شنیده‌ایم که نیم میلیون از اطفال به هلاکت رسیدند. منظورم این است که این رقم بیشتر از تعداد اطفالی می‌باشد که در هیروشیما (جاپان) هلاک شدند؛ و شما راجع به آن آگاهی دارید؛ آیا بهای ارزش این کار را داشت." در جواب البرایت گفت که "من فکر می‌کنم چنین کاری ناشی از یک انتخاب دشوار است؛ اما راجع به بهای آن - ما فکر می‌کنیم ارزش چنین قیمتی را داشت."

البته اشاره خبرنگار مذکور در رابطه با ارقام فوق شامل اطفال عراقی می‌گردد که به احتمال اغلب از زمان ختم جنگ خلیج فارس بنا بر وضع تعزیرات اقتصادی از جانب شورای امنیت به هلاکت رسیدند که بر اساس سروی دو تن از ساینیتیست‌هایی که عراق را از لحاظ سوء تغذی و زراعت از جانب سازمان خوراکه و زراعت جهانی سروی نمودند به نشر رسید که جزئیات آن را باربارا کراسیت زیر نام "تعزیرات عراق اطفال را به هلاکت می‌رساند، راپور های ملل متحد" به نشر رسیده است (آرشیف ۱۹۹۵ نیویارک تایمز).

هرچندی که تحت فشار افکار عامه جهانی، شرق میانه و خشم روز افزون مردم خانم آلبرایت اظهار چنین نظری را از جانب خودش "حماقت" خوانده و ندامت خویش را بعداً ابراز نمود؛ ولی مهم این است که بیرون شدن چنین الفاظی را از زبان وی که آنهم به صیغه جمع "ما"، نباید تصادفی و یا یک اشتباه لفظی تلقی نمود. آنانی که با دیدگاه‌های تبعیضی تفوق طلبانه سفید پوستان در حلقه‌های حاکم امریکا بلدیته دارند، بخوبی با این مطلب آشنا می‌باشند. برای این خانم که از نام و آدرس دیگران در قصر سفید سخن می‌گفت، "نجات" زندگی یک و یا نیم میلیون طفل و یا بیشتر و یا کمتر از آن در برابر آنچه که آنها آرزو می‌برند ارزشی نداشت.

بلی، چنین است معیار های سنجش اخلاقی در جهان سرمایه داری من جمله حلقه رهبری قصر سفید در ایالات متحده امریکا؛ اما در جای دیگری می‌بینیم که زیر تأثیر چنین طرز تفکری در جامعه سرمایه داری امریکا، سگی را از مصر "نجات" می‌دهند و شاید کسی حتی آن را به فرزند می‌بگیرد!!

جان مطلب در اینجا نهفته است که چنین طرز تفکری برای تعیین معیار های اخلاقی ارزش طی دو دهه تجاوز و اشغال در افغانستان نیز شیوع یافته است که مثال زنده تازه تبلور آن را می‌توان در جلسه خبری مورخ ۱۸ اپریل ۲۰۱۸ طلوع نیوز که با گرداندگی آقای "سمیع مهدی" ژورنالیست این شبکه خبری و با شرکت دو تن از دلک های سیاسی هریک "رنگین دادفر سپنتا" وزیر خارجه و مشاور ارشد امنیتی "حامد کرزی" و "زلمی خلیلزاد" سفیر اسبق امریکا در افغانستان راه اندازی شده بود، سراغ نمود.

درین جلسه خلیلزاد سعی نمود تا با تمام بی‌ابروئی و بی‌عزتی که به قول خودش به داشتن دو کلاه (خان دو سره) اعتراف نماید و روی تمامی شکست های سیاست ناکام امریکا در افغانستان مبنی بر ادامه خشونت و عدم تأمین صلح،

تسلط طالبان بر بیشتر از ۵۰ درصد اراضی افغانستان ، پیدایش ده ها گروه تروریستی به شمول داعش در افغانستان طی ۱۷ سال گذشته پرده انداخته و تمامی این برنامه های در هم شکسته را ، اشتباهات امریکا قلمداد می نمود که امریکا حاضر است آنها را ترمیم نماید . نامبرده برای شنونده و بیننده این جلسه چنین تصویری را القاء می نمود که همه چیز بر سر جایش قرار دارد و هیچ گونه آبی از آبدان نپریده است ؛ گویا فرقی نمی کند این که دو و نیم میلیون افغان (شاید این رقم از سه میلیون تجاوز نماید که هنوز سرشماری دقیق آن در دسترس نیست) به مواد مخدر مبتلا شده و در زندانهای سرباز زیر پلهای پایتخت زنده می کنند و یا این که تمامی ثروتهای ملی ما به یغما رفتند و همه روزه صد ها تن از هموطنان بیگناه ما در قربانگاه های این آستان تجاوز و اشغال شهید می شوند و ؛ ولی در قسمت اخیر این جلسه که خبرنگار پرسید که جایگاه افغانستان را در ۲۰۵۰ در کجا می بینید ؛ خلیزاد بدون درنگی جواب داد که "دموکراسی" و علاوه نمود که "آیا بیست سال پیش می توانستیم چنین نشستنی را داشته باشیم" . معنای حرف جناب شان این است که حالا ما از برکت ارزش جهاد امریکا در افغانستان صاحب یک دموکراسی قلابی تاجداری هستیم که آزادی مطبوعات گویا مدعای آن است و تاج و زینت آن را گوشت و خونپاره های انتحاری آراسته است و این است بهائی که افغانها باید برای ارزش دموکراسی سرمایه داری امریکا بپردازند .

پایان